

بررسی ریشه تحرکات تند پس از برجام در گفت و گو با موسویان

اوباما برای ایران یک فرصت بود / در برجام باید مقتدرانه اما هوشمندانه رفتار کرد

«هروقت ایران و آمریکا در صدد تغییر رابطه شان بودند، تدریجاً مانع تراشی کرده اند». این چکیده بخشی از دیدگاه سید حسین موسویان در کتابش تحت عنوان «ایران و آمریکا» است که چند ماه قبل به بازار نشر کشورمان آمد. اکنون نیز که به روزهای اجرای برجام بطور رسمی نزدیک می شویم، خبری مبتنی بر تلاش وزارت خزانه داری آمریکا برای تصویب تحریم های جدید منتشر شده است.

گروه بین الملل خبرگزاری آنا: تحریم های جدید ضد ایرانی که وزارت خزانه داری آمریکا آن ها را آماده کرده اما هنوز باراک اوباما، رئیس جمهور این کشور با آن ها موافقت نکرده است، شامل افزوده شدن یازده شرکت و فرد ایرانی و خارجی به فهرست تحریم های آمریکا به بهانه آزمایش موشکی عماد است.

این موضوع با واکنش مقامات دولت ایران مواجه شد. حسن روحانی، رئیس جمهوری ایران نه تنها این تحریم ها را رد کرد بلکه به وزیر دفاع دستور داد صنایع موشکی ایران را بیش از قبل تقویت کند. همین واکنش بود که باعث شد روزنامه وال استریت ژورنال به نقل از مقامات آمریکایی گزارش کند که کاخ سفید در نتیجه رایزنی های فشرده سیاسی، تصمیم تازه خود را به تعویق انداخته است.

موضوع تسلیحات موشکی اگر چه به گفته مقامات ایرانی و آمریکایی جزو مفاد برجام نیست، اما طی روزهای گذشته، توانست برای مدت کوتاهی فضای بین تهران و واشنگتن را که پس از توافق هسته ای کم تنش شده بود، تیره کند. حال سوال این است که ریشه تحرکات تند پس از برجام چیست؟ و بهترین واکنش ایران به تحرکاتی از این دست، چه می تواند باشد؟ از سوی دیگر، اگر در دولت اوباما می توان با چانه زنی سیاسی، تصویب تحریم های جدید و غیر مرتبط با برجام را به تعویق انداخت، آیا در دولت

بعدی آمریکا نیز می‌توان چنین ظرفیتی را یافت؟ برای بررسی این موارد، با سید حسین موسویان از اعضای ارشد تیم سابق مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران در دولت اسبق، گفت‌وگو کردیم که در پی می‌آید:

منشا اتفاقات اخیر را در خصوص تحریم‌های جدید موشکی که قرار بود علیه ایران به تصویب برسد، چه می‌دانید؟ آیا شما ردپای تندروهای آمریکا را در این قضایا می‌بینید؟

منشا اختلافات در آمریکا در مورد باطن برجام است و نه ظاهر آن. حرف جناح تندرو آمریکا تحت مدیریت لابی صهیونیست‌ها به او با ما این است که شما یک توافقی را پذیرفته‌اید که ظاهر آن ممانعت از دستیابی به بمب هسته‌ای توسط ایران است و این را هم از طریق اعمال برخی محدودیت‌ها و تقویت راستی‌آزمایی از طریق اجرای پروتکل الحاقی دنبال می‌کنید.

اما آن‌ها می‌گویند در باطن این توافق، شما اولاً: غنی‌سازی ایران را پذیرفتید، ثانیاً: آب سنگین در ایران را پذیرفتید؛ ثالثاً: حاصل ۳۵ سال تلاش آمریکا در ایجاد اجماع بین‌المللی در اعمال قویترین تحریم‌ها علیه ایران را بر باد دادید؛ علاوه بر این، بخش عمده‌ای از تحریم‌ها را برداشتید و در عین حال، اجماع بین‌المللی علیه ایران را از بین بردید به گونه‌ای که دیگر به سادگی قابل بازگشت نیست؛ رابعاً: درهای تکنولوژی‌های جدید هسته‌ای را به روی ایران باز کردید؛ خامساً: در اوج بحران‌های منطقه‌ای که متحدین آمریکا در اوج مشکلات هستند، قدرت و ظرفیت سیاسی - اقتصادی - امنیتی و بین‌المللی ایران را برای تسلط بر منطقه افزایش دادید؛ سادساً: تئوری «تغییر رژیم در ایران» را به زباله‌دان تاریخ فرستادید. زیرا قدرت‌های جهانی، سندی را با ایران امضاء کردند که نه تنها مشروعیت حکومت انقلابی در ایران را به رسمیت می‌شناسد بلکه مشروعیت برنامه هسته‌ای ایران را با داشتن غنی‌سازی و آب سنگین پذیرفتند و این در حالی است که با هیچ کشور دیگری چنین معاهده‌ای امضاء نشده بود.

این اساس حرف جناح مخالف در آمریکا است. بنابراین با تمام ظرفیت و قدرت تردید ندارم که جناح صهیونیست‌ها، بدنبال تغییر این معادله هستند.

در داخل ایران نیز برخی منتقدان دولت تلاش دارند تا محدودیت‌های اخیر را ناقص برجام ارزیابی کنند. با توجه به تجربه‌های متعدد قبلی‌تان، توصیه شما به این منتقدان و همچنین دولت‌مردان برای مواجهه با آنان چیست؟

جناح صهیونیست‌ها، بازهای آمریکا و... به دنبال تشدید خصومت میان آمریکا و

تردید ندارم که جناح صهیونیست‌ها، بازهای آمریکا، منافقین و اپوزیسیون برانداز و اعراب معاند، به دنبال تشدید خصومت و تقابل آمریکا و ایران با هدف نابودی برجام هستند تا در نتیجه آن، شش دست‌آورد باطنی برجام را که اکنون به آن اعتراض دارند، از

ایران با هدف نابودی برجام هستند تا در نتیجه آن، شش دستاورد باطنی برجام را که بین ببرند و این هدف آنان است. اکنون به آن اعتراض دارند، از بین ببرند.

برعکس آمریکا، منشا اختلاف در ایران در مورد ظاهر برجام است نه محتوای باطن آن. مخالفان برجام در ایران، در مورد میزان محدودیت‌ها و راستی‌آزمایی‌ها حرف دارند. مثلاً چرا تعداد سانتریفیوژها یا میزان ذخیره سوخت خیلی کم شد، یا زمان محدودیت‌ها طولانی شد و یا چرا حق بازرسی از پارچین داده شد. توصیه من به عزیزانی که نگران هستند این است که شش نگرانی جناح مخالف آمریکا به رهبری صهیونیسم بین‌المللی را عنایت داشته و مورد توجه قرار دهند؛ ما باید مراقب باشیم که به دام آنها نیافتیم.

آقای بعیدی نژاد از اعضای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای، در یادداشتی که چند روز قبل منتشر کردند، تصریح داشتند که وظیفه برجام پایان تمام رفتارهای خصومت‌آمیز آمریکا علیه ایران نبود؛ اما به نظر می‌رسد برخی تمایل ندارند این واقعیت را در نظر داشته باشند به همین خاطر دنبال قلب واقعیت در خصوص برجام هستند. به نظر شما برای اینکه برجام به سلامت تا انتهای مسیر خود را بپیماید، چه باید کرد؟

هدف برجام، پایان بخشیدن به زورگویی‌های بین‌المللی علیه ایران بود و نه بستن پرونده خصومت‌های آمریکا و ایران. در عین حال اگر اراده سیاسی در واشنگتن و تهران وجود می‌داشت، برجام می‌توانست آغاز روند کاهش تنش بین ایران و آمریکا باشد. چنین روندی مستلزم استمرار گفتگوها در مواردی دیگر بود؛ مثل مواردی همچون تروریسم تکفیری که تهدید مشترک برای هر دو کشور تلقی می‌شود.

البته هنوز هم دیر نشده و فرصت هست اما به نظر می‌رسد چنین اراده یا اعتقادی وجود ندارد. بنابراین، فقط موضوع و اصل حفظ برجام، می‌ماند. اگر استراتژی بر اساس «حفظ برجام با حفظ خصومت‌ها» باشد، چنین استراتژی دشوار اما ممکن خواهد بود به شرطی که همراه با برنامه و طراحی محاسبه شده باشد. اما اگر استراتژی «حفظ برجام با افزایش خصومت و تقابل» باشد، بعید می‌دانم برجام را بتوان بطور کامل و جامع حفظ کرد.

در هر حال، لازم است ایران در مورد یکی از این سه استراتژی تصمیم بگیرد: تمام کاندیداهای جمهوری خواه و

۱- استفاده از برجام برای کاهش خصومت‌های آمریکا و ایران؛ ۲- حفظ برجام با تک کاندیدای جدی دموکرات‌ها یعنی

حفظ روند خصومت‌های گذشته و ۳- حفظ برجام با تشدید تقابل و خصومت با خانم کلینتون، یا متحد آپیک (لابی

آمریکا. صهیونیست) هستند یا بسیار رابطه نزدیک و صمیمی با آنان دارند. تلخ اعراب معاند، به دنبال تشدید خصومت و تقابل آمریکا و ایران با هدف نابودی برجام هستند تا در نتیجه آن، شش دستاورد باطنی برجام را که اکنون به آن اعتراض دارند، اسرائیل در دوران اوباما رخ داده است. از بین ببرند و این هدف آنان است که می‌خواهند به آن برسند. آنها از تمام ظرفیت و نفوذ خود در آمریکا از جمله کنگره برای تحقق این استراتژی استفاده خواهند کرد.

آنها از تمام قدرت خود برای تاثیرگذاری بر افکار عمومی جهان استفاده خواهند کرد. بعید هم نیست که افراد نفوذی در ایران داشته باشند که ماموریت داشته باشند تا برای تحقق این استراتژی، به آنان کمک کنند و به اصطلاح، آتش بیار معرکه گردند. مطمئن هستیم که استراتژیست‌های تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیرنده در ایران به این نکته توجه دارند و چنین استراتژی را نمی‌پسندند. به همین خاطر پیشنهاد می‌کنم که برای ممانعت از موفقیت تندروها این موارد را باید مدنظر داشت:

- باید مقتدرانه اما هوشمندانه و با برنامه حرکت کرد؛

- از افراط و تفریط در واکنش‌ها پرهیز کرد چرا که هر دو، یک نتیجه خواهند داشت.

- ساده اندیشی و سوء ظن افراطی، هر دو، روی یک سکه خواهند بود.

- تندروهای آمریکا ممکن است اقداماتی بکنند و حرف‌هایی بزنند که ما را تحریک کنند و قطار «تشدید تقابل و خصومت» را به حرکت در آورند.

- سکوت و انفعال ما هم یقیناً آنها را گستاخ‌تر خواهد کرد.

با توجه به تجربه‌های پیشین خود، به نظر شما، آیا برجام می‌تواند تا پایان دوره ریاست جمهوری آقای اوباما، برقرار بماند؟ بعد از تغییر رئیس جمهوری آمریکا چطور؟ پیش‌بینی می‌کنید که به مرحله آخر خود هم برسد؟

ممکن است برخی در داخل کشور، این حرف من را ساده لوحی تلقی کنند اما من اعتقاد دارم که اوباما یک فرصت بود و هنوز هم هست و باید از این فرصت نهایت استفاده را کرد. تمام کاندیداهای جمهوری خواه و تک کاندیدای جدی دموکرات‌ها یعنی خانم کلینتون، یا متحد آپیک (لابی صهیونیست) هستند یا بسیار رابطه نزدیک و صمیمی با آنان دارند. تلخ‌ترین دوران روابط سیاسی آمریکا و اسرائیل در دوران اوباما رخ داده است.

اوباما کمک‌های آمریکا به اسرائیل را حتی افزایش داد اما اجازه نداد نخست‌وزیر هدف برجام، پایان بخشیدن به اسرائیل در مورد سیاست هسته‌ای آمریکا راجع به ایران تصمیم بگیرد و هر جا هم زورگویی‌های بین‌المللی علیه ایران نتانياهو دخالت کرد، از اوباما یک سیلی محکم خورد. به همین خاطر، روسای آمریکا بود و نه بستن پرونده خصومت‌های و اسرائیل در تاریخ معاصر روابط دو کشور، تا این حد از هم متنفر نبوده‌اند.

معتقدم هر رییس جمهوری در آمریکا بر سر کار بیاید خود را موظف خواهد دانست که آمریکا و ایران. اگر اراده سیاسی وجود می‌داشت، برجام می‌توانست آغازگر این شکاف میان آمریکا و اسرائیل را پر کند. اوباما وارد سال آخر ریاست جمهوری کاهش تنش باشد.

خود شده است. به همین خاطر به نظر می‌رسد تهران و واشنگتن، بعد از برجام و چالش‌های سهمگین داخلی آن، ریسک چالش‌های جدید را نپذیرند مگر اینکه یک تفاهم و آمادگی و درک متقابلی وجود داشته باشد. این مهم هم، نیازمند پذیرفتن ریسک تصمیم‌گیری در تهران و واشنگتن خواهد بود.